
تعالی عقلانی زنان؛ جستاری در خوانش اندیشه و سیره علوی
در باب فعالیت فرهنگی زنان

زهره منصوری* / ناصر محمدی** / مهدی عبادی***

تاریخ دریافت: ۹۹/۱/۲۵ تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۲/۱۱

چکیده

از ظاهر اقوال امام علی (علیه السلام)، نگرشی منفی نسبت به زنان در برخی اذهان شکل گرفته که با بررسی سیره در کنار اقوال، به دست می‌آید، زن در اندیشه امام (علیه السلام) برگرفته از نگاه قرآنی بوده و از کرامت انسانی برخوردار است. امام (علیه السلام) با تصدی حکومت، در پی انقلابی دیگر با همان مبانی و اصول پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) برآمد. آنچه برای حضرت در فرصت چندساله حکومت مهم بود، حضور عالمانه و جدی در صحنه فرهنگی بود. امام (علیه السلام) برای نیل به اهداف عالی در زمینه فرهنگی، دست به اقدامات زیربنائی زد که زنان در آن جایگاه ویژه و نقش مهمی ایفا نمودند. مبارزه با جهل عمومی و ارتقای سطح علمی افراد جامعه به خصوص بانوان، مبارزه با سنت‌های جاهلی احیا شده درباره زنان و در نهایت فعالیت‌های ایشان به منظور اعتباربخشی به جایگاه انسانی زنان، از جمله فعالیت‌های فرهنگی علوی در خصوص احیاء مقام و حفظ جایگاه زن قلمداد می‌گردد. این پژوهش با روش توصیفی، تحلیلی و مبتنی بر داده‌های تاریخ، خاصه متون مکتوب و صادره از امام (علیه السلام)، غبارزدائی از چهره زن و فهمی صحیح از اندیشه‌ها و آموزه‌های علوی را رسالت خود می‌داند و می‌کوشد، اندیشه‌های حضرت در باب زنان را بازخوانی کند. مهمترین رهاورد این پژوهش، آن است که نگاه امام (علیه السلام) به زنان، فاقد هر نوع تبعیض نگری جنسیتی بوده و حضرت در سطحی در خور و سزاوار زنان، آنان را در

z_mansouri42@yahoo.com

naser_mohamadi@pnu.ac.ir

m.ebadi61@gmail.com

*. دانشجوی دکتری نهج البلاغه ایران، تهران، دانشگاه پیام نور

** .دانشیار گروه فلسفه و کلام دانشگاه پیام نور

***.دانشیار گروه تاریخ و فرهنگ و تمدن اسلامی، دانشگاه پیام نور تهران جنوب

فعالیت‌های اجتماعی مشارکت داده و نقش آفرین ساخته است و برای مشارکت اجتماعی زنان همواره بستری مناسب را در جامعه فراهم نمود تا آنان بتوانند بدون دغدغه‌ای به فعالیت بپردازند.

واژگان کلیدی

زنان، اندیشه، سیره علوی، فعالیت اجتماعی، فرهنگ.

۱- پیشینه تحقیق

تبعی مختصر و ابتدائی در پژوهش‌ها و آثار موجود در سیره علوی در باب فعالیت فرهنگی زنان، به روشنی حکایت از آن دارد که واکاوی اجتهادی سیره و استخراج اصول حاکم بر عرصه زنان در سیره علوی، امری ثانوی و غیر ضروری بوده و از فروع و مسائل درجه دوم می‌باشد و آنچه جزء مسائل اساسی و ضروری حضرت بوده مسائلی از قبیل عدالت اجتماعی است. پژوهش‌ها در خصوص زنان، گوئی صرفاً پاسخگوئی به عناوینی چون نقصان ایمان، کاستی عقل و فرومایگی زنان در برخی اقوال امام علی (علیه السلام) و تبیین، تفسیر، توجیه و تأویل این قبیل مباحث است و این فراوانی به حدی است که اولین متبادر ذهنی عبارت زن در اندیشه و سیره امام، خطبه هشتاد نهج البلاغه و مانند آن است. حال آنکه نگاه مجموعی به اقوال و سیره امام، حاکی از اهمیت جایگاه اجتماعی زنان و اقدامات ایشان، جهت ترفیع این مقام است و ضروری است که این مسأله به صورت جامع و حل تعارض میان اقوال و سیره امام به صورت جدی مورد بررسی واقع گردد.

غیر از شروح نهج البلاغه که ذیل خطبه هشتادم، به تفسیر آن یا طرح پاره‌ای از مباحث و پاسخ‌های آن پرداخته‌اند، می‌توان به این کتب اشاره نمود: در کتاب "زن در سخن و سیره امام علی (علیه السلام) مهدی مهریزی که صرفاً به جمع‌آوری بعضی روایات پیرامون زنان از منظر امام علی (علیه السلام) بسنده کرده است. در کتاب "بررسی پاره‌ای از شبهات پیرامون زن در نگاه امام علی (علیه السلام) نوشته علی سائلی، به طرح و رفع شبهات در باب زنان از منظر امام علی (علیه السلام) تکیه شده، و عمده بحث کتاب "زن از دیدگاه نهج البلاغه" نوشته فاطمه رحمانی پیرامون خطبه هشتاد نهج البلاغه می‌باشد. همچنین مقالات نیز غالباً به بررسی دیدگاه امام علی (علیه السلام) در باب زنان با تکیه بر متن نهج البلاغه است، در حالی که بررسی جامع قول و سیره رفتاری هم چنان مغفول است. وجه تمایز این نوشتار با تحقیقات مرتبط در این است که مطالب به صورت منسجم و در حوزه خاص زنان پیرامون فعالیت و اقدامات فرهنگی بوده و این مطالب بعد از اثبات نگاه جامع علوی به فعالیت زنان در این عرصه می‌باشد نه صرف گزارش.

۲- طرح مسأله

در کنار بحث از مسائل بنیادی و طرح مسائل نظری در خصوص زنان در اسلام، همواره لزوم ارائه نظامی معرفتی مصداقی و کاربردی که نشان دهنده اعتلای همه جانبه زنان در پرتو دستورات الهی باشد، امری لازم است. گاهی در نظر گرفتن برخی اقوال که بر تنقیص زنان دلالت می کند و طرح نامناسب آن ها بدون بررسی سند و دلالت اقوال امام، سیره علوی را با نگرش غلط جنسیت مدار اتصال می دهد. امام علی علیه السلام نه فقط در نهج البلاغه بلکه در سایر کلام خود و همچنین بنا بر سیره عملی، الگوی جامع هویتی برای معرفی زنان ارائه داده است. تاریخ، از حضور و فعالیت متنوع سیاسی و اجتماعی زنان در عصر امام علی علیه السلام حکایت دارد؛ فعالیتی که حیطه ها و قلمروهای مختلفی را دربر می گرفته و اندک تأمل و درنگ در این گزارش های تاریخی، دست کم از اعتماد امام علی علیه السلام نسبت به زنان پرده برمی گیرد، اعتمادی که سازگار با تصور نیمه تمامی نیست که بنا بر خطبه هشتادم نهج البلاغه و دریافت ناقص و نارسا از آن در اذهان شکل گرفته است.

این پژوهش می کوشد هم از یک سو با واکاوی در دیگر عبارات و جملاتی که امام علیه السلام بیان داشته و هم از دیگر سو با عطف توجه به وقایع تاریخی که حضور زنان را در عرصه های اجتماعی و در عصر و سیره امام علی علیه السلام باز می نمایند، به سهم خویش در تصحیح آن تصویر ناقص و ناتمام، مؤثر افتد و با کارکردی دوسویه، هم از ستم تاریخی - مذهبی که بر زنان رفته، بکاهد و هم گرد و غبار داوروی های نابردبارانه و بلکه نامتصفانه را از سیمای پیشوای پرهیزکاران بزداورد.

روشن است که تناقض گفتار و رفتار از انسان خردمند، شایسته و پذیرفته نیست، چه رسد از امام معصومی که در بهره مندی از عقل و اندیشه، سرآمد است. از این رو لازم است با نگاهی جامع و فراگیر نسبت به اندیشه ها و نیز سنت و سیره علوی علیه السلام، حقایق اندیشه را با وقایع و سیره، سازگار در کنار یکدیگر نشانند و با نگاه متناظر، فهم خویش را از کلام امام، فرحمندی و فریبهی بخشید. این نکته؛ یعنی انضمامی کردن رفتار به گفتار، درسیره شناسی امری پر کاربرد است. ضمن آنکه در تعارض گفتار و رفتار، رفتار و کنش فاعل، اختیارا تحقق پیدا کرده و رفتار و کنش های بیرونی متکلم بر سخن و گفته وی مقدم شده و ترجیح می یابد. وقتی که مستند به گزارش های تاریخی، نقش اجتماعی، فرهنگی زنان در سیره علوی پی جوئی می شود، تصویری واقعی تر و شفاف تر، نسبت به زنان از منظر اندیشه علوی در اختیار خواهد بود. شایسته یادکرد است که جایگاه اجتماعی زن در خلأ، تکون و تحقق نمی یابد؛ بلکه در متن اجتماع

شکل می‌گیرد و متن اجتماع، متن پردامنه ای است و هم به لحاظ حوزه و هم به لحاظ حیطة، تنوع و گونه‌گونی دارد.

۳- مفهوم شناسی

قبل از ورود به بحث و پرداختن به ابعاد مسأله لازم است تبیینی نسبت به واژگان کلیدی صورت گیرد.

۱-۳ فعالیت اجتماعی

فعالیت اجتماعی به معنای هر نوع رفتار، فعل و کنش فرد در قلمروها و حیطة‌های متفاوت زیست جمعی انسان است. هر فرد انسانی فطرتاً اجتماعی است. (طباطبائی، بی‌تا: ۵) اندیشه امام علی (علیه السلام) در نهج البلاغه، ناظر بر این است که انسان، صرف نظر از وضعیت اجتماعی، دارای اصالت و ارزش‌های بنیادین مانند فطرت، حریت و کرامت است و عطف توجه بدان‌ها، انسان را از تقلید و وابستگی صرف در جامعه‌ای معین می‌رهاند. (باقری، ۱۳۸۹ش: ۴۰)

آن چه در این پژوهش مراد است، عبارت است از موقعیت و وضعیت که ناظر بر کنشگری است و این واکنش‌ها بازتاب ظرفیت و استعداد کنشگر از یک سو و نوع نگاهی که به خلق و تحقق آن از سوی دیگر منتهی می‌شود، خواهد بود. اما وقتی این واژه به کلمه اجتماعی افزوده و اضافه می‌شود، همه آن موقعیت‌ها و وضعیت حاصل از کنشگری را به گستره اجتماع پیوند می‌زند. از این رو، مثلاً نقش آفرینی‌های موقعیت‌ساز و وضعیت آفرین که در حوزه فردی اتفاق می‌افتد، از بحث خارج خواهد شد. به دیگر عبارت، جایگاه اجتماعی زنان، موقعیت اجتماعی آنان است که محصول کنش‌های جمعی ایشان در همه قلمروهای اجتماعی اعم از حوزه سیاسی، نظامی، فرهنگی و همانند آن خواهد بود.

۲-۳ بستر سازی فرهنگی

"فرهنگ" بر وزن و معنی "فرهنج" است که علم و دانش و عقل و ادب و بزرگی و سنجیدگی باشد. شاخه درختی را نیز گویند که در زمین خوابانیده، خاک بر روی آن بریزند تا از جای دیگر سر برآورد و کاریز آب را نیز گفته‌اند. (برهان، ۱۳۶۲ش: ۱۴۸۱/۳) کلمه "فرهنگ" مترادف کلمات مبادی آداب، باریک‌اندیشی، باسواد، اهل مطالعه، خوش مشرب، آشنا با آداب و رسوم خواص، و مؤدب و دارای خصایل اخلاقی، نیز به کار می‌رود. (روح‌الامینی، ۱۳۷۴ش: ۱۴۵)

فرهنگ واژه‌ای است، تا حدودی مبهم، و در حوزه‌های مختلف علمی بار معنایی خاص خود را دارد به همین جهت برای فرهنگ تعاریفی بس متنوع و متعددی ارائه شده است. شایع‌ترین تعریفی که از

فرهنگ ارائه شده این است که: «فرهنگ به شیوه‌های زندگی که افراد یک جامعه می‌آموزند، در آن مشارکت دارند، و از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابد، اطلاق می‌شود.» (کوئن، ۱۳۷۲ش: ۷۲-۷۳)

در واقع، فرهنگ عبارت است از مجموعه‌ای از سنت‌ها و قوانین و مقررات و آداب و رسوم و ارزش‌ها و باورهایی که احساسات، افکار و رفتار گروهی از مردم را شکل می‌دهد. فرهنگ راه و روش زندگی است که افراد یک جامعه همه با هم آن را فرا گرفته‌اند و در پیروی از آن سهیم و شریک هستند. این راه و روش، که از جمع و ارتباط ابزار و فنون نهادهای اجتماعی، نگرش‌ها، باورها، انگیزه‌ها و ارزش‌های مورد قبول مردم حاصل می‌گردد، نظام فرهنگی جامعه است. (ستوده، کمالی، ۱۳۸۳ش: ۱۹-۱۸)

فرهنگ هر جامعه، که رکن رکین آن محسوب می‌شود و بخش اعظم یک جامعه و رفتار مردمان آن متأثر از فرهنگ آن جامعه است، ثبات، و یا تغییر و تحولات فرهنگی، تبعات و پیامدهای فرهنگی متناسب با خود را در آن جامعه به دنبال دارد. ثبات نظام‌های سیاسی، همبستگی و انسجام اجتماعی در هر جامعه‌ای عمدتاً به نظام فرهنگی و مجموعه باورها، ارزش‌ها، هنجارها و نمادهای آن وابسته است. همواره بزرگ‌ترین مصلحان اجتماعی، مصلحان فرهنگی بوده‌اند. تحولات و تغییرات ماندگار در جوامع نیز تغییرات و تحولات فرهنگی بوده و بزرگ‌ترین انقلاب‌ها در جهان، انقلاب‌های فرهنگی می‌باشد. همان‌طور که امام علی (علیه السلام) اقدامات اصلاحی خویش درباره جایگاه زنان را از فعالیت در عرصه فرهنگ آغاز کرد تا اوضاع را به نحو مطلوب تغییر دهد، زیرا با اصلاح فرهنگ جامعه و التزام نظری و عملی به آن، نظم اجتماعی استقرار یافته و روابط فردی و اجتماعی به شکل کاملاً هنجارمندانه‌ای تجلی می‌یابد.

۳-۳ اندیشه

اندیشه بر وزن هم پیشه در لغت به معنای فکر، خیال، ترس و بیم، (تبریزی، ۱۳۸۰: ۱۷۰/۱) به کار رفته است و معنای اصطلاحی این واژه با معنای لغوی آن تفاوت دارد. همچنین اندیشه در لغت به معنای تأمل، (معین، ۱۳۷۶: ۱۳۷/۱) تفکر، (مشیری، ۱۳۹۶: ۵۴) تدبیر، تصور، گمان، رأی و نظر (دهخدا، ۱۳۷۷: ۳۵۳۸/۳) است. آیا بررسی می‌شود زنان در خیال یا گمان حضرت و یا در فکر و تدبیر یا تصور علوی چه جایگاهی داشته‌اند؟

منظور از اندیشه در اصطلاح علوی، عبارت از همه گفتارها، اعم از فرمان‌ها، فراخوان‌ها و فرموده‌ها است که یا به نص و تصریح است یا از باطن سخن، فرمان و فراخوان، قابل دریافت است. بنابراین منطوق و مفهوم را توأمان در برمی‌گیرد.

۳-۴ سیره

"سیره" بر وزن "فعله" و مشتق از ریشه سَیَرَ است. "سیر" به معنای حرکت در روز و شب و "سری" به معنای حرکت در شب و "اسری" به معنای حرکت دادن در شب است. (ابن منظور، ۱۳۶۶ق: ۶/۴۵۴) صاحب معجم مقاییس اللغة، سیر را به معنای رفتن، جریان داشتن و حرکت گرفته است. (ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ۶/۴۵۴) همچنین اصحاب لغت واژه سیره را بر معنای روش، (حسن‌زاده‌آملی، ۱۳۸۷ش: ۶۹۰/۱) طریقه (دهخدا، ۱۳۷۷ش: ۲/۱۷۴۱) سبک، (جوهری، ۱۴۰۴: ۲/۶۹۱) نوع حرکت و سبک و شیوه راه رفتن (پیشوایی، ۱۳۹۳ش: ۲۸) در کتب لغت آمده است. روشن است که سیره در عنوان پژوهش، به سبک و روش یا شیوه رفتاری علوی (علیه السلام) نزدیک‌تر است و لذا این معنا از میان معانی ارائه شده، منتخب و برگزیده خواهد بود.

سیره در معنای عام، عبارت از نوع خاصی از رفتار (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۶/۱۷۸) انسان و عمل او می‌باشد. بر این مبنا، واژه سیره نه فقط ویژه پیشوایان دینی، بلکه درباره هر انسانی کاربرد دارد. معصوم (علیه السلام) نیز مانند هر انسانی واجد نوعی خاص از رفتار است و همواره اصول و قواعدی بر رفتار او حاکم است و شناخت آن اصول و قواعد کلی حاکم بر رفتار معصوم است که ما را به سیره معصوم رهنمون می‌شود. سیره در اصطلاح خاص شیعه، گفتار، رفتار و تقریر و امضای معصوم است و شناخت سیره به معنای شناخت نوع حرکت و سبک دعوت و طرز فعالیت و کیفیت تبلیغ و شیوه برخورد معصوم و آگاهی از چگونگی موضع‌گیری‌های اوست. (پیشوایی، ۱۳۹۳ش: ۲۸-۲۷)

سیره علوی عبارت از گفتارها، رفتارها و تقریرهای آن بزرگوار است که مستند به قواعد کلی است و از این رو به سبک و شیوه خاص، تعیین و تکوّن یافته که در باب موقعیت و وضعیت زنان در عصر ایشان، چه به تاسیس و چه به امضاء، آن هم به شکل دأب و روبه وجود داشته است. بنابراین اگر به شکل اتفاقی و بالاتکرار، رفتاری از امام علی (علیه السلام) که اعم از قول، فعل و امضاء و تأیید است، سر بزند، عنوان سیره بر آن صادق نخواهد بود.

۴- توجه به جایگاه اجتماعی زنان در اجتماع

جهت درک و فهم اقدامات امام علی (علیه السلام) در زمینه علمی و فرهنگی لازم است تا ابتدا نگرش ناصحیح در جامعه آن زمان نسبت به زنان تبیین گردد و رفتار و اندیشه خلفای آن عصر پیرامون زنان بر اساس مدارک و اسناد معتبر مشخص شود تا از گذر مقایسه تطبیقی میان آن‌ها اوج اقتدار سیره علوی در راستای تکریم و احیای حقوق زنان بیش از گذشته نمایان گردد.

۱-۴ جایگاه اجتماعی زن در نگاه خلفاء ثلاثه

در دوره کوتاه خلافت ابوبکر از طرفی فضای بسته پر از رعب و وحشت از طرف جریان حاکم ایجاد شد و دایره حکومت خلیفه محدود به تعدادی از همفکران و هم پیمانان سیاسی گردید که اغلب قریبی بودند؛ بنابراین تحرک اجتماعی و مشارکت سیاسی از عامه مردم سلب شد، از طرف دیگر گرایش فکری دستگاه خلافت، به تجدید حیات اجتماعی جاهلیت بود که در آن شأنی برای زن وجود نداشت.

بنابراین در چنین اوضاعی جائی برای مشارکت عامه ویژه زنان باقی نمی ماند. از این رو فاطمه زهرا (علیها السلام)، دختر پیامبر (صلی الله علیه و آله) تنها زنی که در ایام خلافت خلیفه به دنبال احقاق حقوق سیاسی و اقتصادی خود بود، با خشونت حذف شد.

ابن ابی الحدید معتزلی، گزارش کرده که همسر پیامبر (صلی الله علیه و آله) ام سلمه، به دلیل شهادت به نفع دختر پیامبر (صلی الله علیه و آله)، در ماجرای فدک به مدت یکسال از اعطای خلیفه محروم گردید. (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق: ۱۰۱/۴)

به نظر می رسد، در اندیشه خلیفه دوم نیز، زن موجودی با منزلت پایین تر از مردان است و بزرگترین قربانی نگرش های مرد سالارانه و ارزش های جاهلی. عمر هیچ گاه از این ساختار غالب ذهنی اش عدول نکرد و این مسأله از رفتارهای او که تاریخ آن را برابر دیدگان خوانندگان نهاده، قابل استنباط است؛ مانند اینکه او پرداختی زنان را در ردیف بردگان و غیر عرب ها قرار داد؛ ولی به عایشه، دختر ابوبکر و حفصه، دختر خود که نقش مهمی در تحکیم قدرت او داشتند و ام حبیبه، دختر ابوسفیان، مزیت ویژه از بیت المال بخشید. (یعقوبی، بی تا: ۱۵۳/۲)

نمونه های متعددی از رفتار خشن خلیفه دوم نسبت به زنان در گزارش های تاریخی وجود دارد از جمله این که در مرگ عثمان بن مظعون که از یاران نیک نام پیامبر (صلی الله علیه و آله) بود، تعدادی از زنان در سوگش می گریستند و عمر آنان را با تازیانه می زد. پیامبر (صلی الله علیه و آله) دستش را گرفت و فرمود: آرام باش عمر، بگذار بگریند. (ابن حنبل، ۱۴۱۶ق: ۳۳۷-۳۳۵/۱؛ حاکم نیشابوری، ۱۴۲۰ق: ۱۹۰/۳)

سیاست عثمان نیز در امر خلافت همان خط مشی خلفاء سابق بود. هر چند اقدامات او به سخت گیری خلیفه دوم نمی رسد؛ ولی مانند او با نگاه تحقیرآمیز خود به زنان مانع حضور و مشارکت صحیح آنان در جامعه می شد. تاریخ به خوبی گواهی برخی از رفتارهای تحقیر آمیز او نسبت به زنان است. (ابن اثیر، ۱۴۰۹ق: ۳۷۶/۳؛ ابن کثیر، ۱۳۹۸ق: ۵۸/۴؛ کلینی، ۱۳۶۷ش: ۲۵۱/۳)

۲-۴ جایگاه انسانی زن در نگاه امیرالمؤمنین (علیه السلام)

شناخت زن و منزلت و جایگاه او، در حقیقت، شناخت انسان و کرامت وی می باشد؛ چراکه در اندیشه قرآن و عترت، زن و مرد از حقیقت و سرشتی واحد برخوردار بوده و این عدم تفاوت ماهوی زن و مرد و اشتراک در سرشت و سیرت انسانی با صراحت در قرآن آمده و اقوال و سیره امام نیز برگرفته از همان اندیشه قرآنی است. امام علی (علیه السلام) طبق افکار و آراء قرآنی خود برای زن جهاتی را در نظر گرفته است که در ادامه می آید.

۱-۲-۴ زن مانند مردان به عنوان مخلوق الهی

نگاه امام به زن به عنوان موجود الهی، آن است که زن مانند همه موجودات، نشانه تدبیر استوار الهی بوده و دلالت بر اراده و ربوبیت الهی می کند.

در این راستا حضرت می فرماید:

" الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي إِلَيْهِ مَصَائِرُ الْخَلْقِ وَعَوَاقِبُ الْأُمْرِ... ظَهَرَ لِلْعُقُولِ بِمَا أَرَاتَا مِنْ عِلْمَاتِ التَّدْبِيرِ الْمُنْتَقِنِ وَالْقَضَاءِ الْمُبْرَمِ "

ستایش خداوندی را سزاست که سرانجام خلقت و پایان کارها به او باز می گردد... خدا با نشانه‌های تدبیر استوار و خواسته‌های حکیمانه در خلق نظام احسن، در برابر عقل‌ها، آشکارا جلوه کرده است. (نهج البلاغه، خطبه ۱۸۲)

آغاز خلقت از اوست و عاقبت هم از آن اوست، همه موجودات این جهان از فیض وجود او سرچشمه گرفته و سرانجام به سوی او باز می گردند، که این اشاره ای است به مسئله معاد و رستاخیز. (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰: ۳۲/۷) اگر نظام هستی در اندیشه کلامی، نظام احسن است، زن، خارج از این نظام نیست و چگونه می تواند موجودی تمام شرف تلقی شود، در حالی که قرار است در این نظام یاد شده، نقش آفرینی کند.

آفرینش زن همچون مخلوقات دیگر در نهایت اتقان و نظم بوده و این حاکی از لطف و مهربانی خداوند نسبت به موجودات می باشد. یعنی، زن در ساختار وجودی خویش، موجودی منظم است و نشانه ای از لطف تدبیر الهی، "قَدَرْنَا مَا خَلَقْنَا فَحَاكِمٌ تَقْدِيرُهُ، وَدَبَّرَهُ فَالطَّفُ تَدْبِيرُهُ، وَوَجَّهَهُ لَوَجْهَتِهِ"؛ آنچه را آفرید، با اندازه گیری دقیق استوار کرد و با لطف و مهربانی نظم شان داد و به خوبی تدبیر کرد و هر پدیده را برای همان جهت که آفریده شده است، به حرکت در آورد. (همان، خطبه ۹۱) این جمله امام (علیه السلام) اشاره به این است که هر مصنوعی و مخلوقی در وجود برابر حکمت الهی اندازه گیری دقیق شده است، بدان

حد که اگر از مقدار معین فزونی گیرد و یا نقصان پیدا کند در مصلحت آن شیئی خللی پدید می آید و منفعت مقرر بر وجود آن دگرگون می شود. (ابن میثم، ۱۴۱۷ق، ۷۲۳/۲)

شمارش این نوع خطبه ها و جملات که می توان رد پای زن را در همه آنها به مثابه موجودی از موجودات الهی و ذیل نظام آفرینش یافت، فراوان است که به همین مقدار بسنده می شود.

۲-۲-۴ زن مانند مرد به عنوان انسان

امام علی (علیه السلام) در این رابطه می فرماید:

"اتَّقُوا اللَّهَ عِبَادَ اللَّهِ؛" آغاز سخن نشان می دهد که امام (علیه السلام) انسان را مخاطب ساخته است. "فَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ لَمْ يَخْلُقْكُمْ عَبَادًا وَلَمْ يَشْرِكْكُمْ سُدَى؛" خداوند سبحان شما را به عبث نیافریده و بر حال خود رها نکرده است. (همان، خطبه ۶۳)

دستورات خداوند و امر او به تقوی برای آن است که انسان بی هدف خلق نشده و مانند حیوانات به حال خود رها نشده است. (خوئی، ۱۴۰۰ق: ۴۰۱/۴) پس انسان موجودی هدفدار است و این هدفمندی، هدفمندی جنسیتی است. زن در هستی به دنبال هدف و برای تحقق آرمانی خلق شده است و همین نکته که او موجود هدفمند است، می تواند بخشی از قلمرو و شئون او را پیشاپیش نشان دهد. مبدأ آفرینش زن با مرد تفاوتی ندارد و هر دو از مبدأ بعید خاک و مبدأ نزدیک نطفه خلق گردیده اند. امام می فرماید:

"أَيُّهَا الْمَخْلُوقُ السَّوِيُّ وَالْمُنْشَأُ الْمَرْعَى فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْحَامِ وَمُضَاعَفَاتِ الْأَسْتَارِ، بَدِئَتْ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ؛"

ای انسان، ای آفریده راست قامت و ای پدیده پاسداری شده در زهدانهای تیره و پوشش های مضاعف و تودرتو، آفرینش از گل خالص آغاز شد. (همان، خطبه ۱۶۳)؛

در این بخش از خطبه روی سخن امام (علیه السلام) به مطلق انسان است و او را گوشزد می کند به این که آفرینش او در حد کمال و اعتدال و مورد رعایت و محافظت بودن او دلیل بر وجود آفریننده دانا و مهربان است و می دانیم که خداوند انسان را چگونه می آفریند، و به او اندک اندک شکل و صورت می دهد، و تکامل می بخشد تا پا در این جهان می نهد. (ابن میثم، ۱۴۱۷ق: ۲۰۴/۳) نیز، تمام مخلوقات از حیث وجود دارای اختیار نبوده و به اجبار الهی قدم بر این کره خاکی نهاده اند و از این حیث تفاوتی میان زن و مرد وجود ندارد.

۳-۲-۴ زن، مانند مرد به عنوان جنس خاص انسان

اگر به زن به عنوان مخلوق الهی نظر شود، نگاه به او فقط ایجابی خواهد بود و اگر به عنوان انسان باشد، طبق آیات قرآن هم نگاه سلبی و هم ایجابی وجود دارد؛ ولی اگر به عنوان جنس خاص بر او نظر شود، گاه نگاه فقط سلبی است؛ مانند نگاه به زنان لوط و نوح (علیهم‌السلام) و گاه فقط ایجابی است؛ مانند نگاه به مریم و زنانی نظیر او. امام علی (علیه‌السلام) نیز آن جا که برخی زنان به عنوان جنس زن گاهی سبب فتنه و جنگ شده (همان، خطبه ۸۰) و یا صفات رذیله اخلاقی مانند حسد (ذهبی، ۱۴۱۴ق: ۳/۱۱۰؛ بخاری، ۱۴۱ق: ۳/۱۳۸۸) و یا آشوب در جامعه را به دنبال دارند، (یعقوبی، بی تا: ۲/۲۲۵) در مورد آنان به دلیل این فتنه‌ها سخن گفته است.

در مقابل، امام، از زن به عنوان یک زن به دلیل صفات برجسته آنان تمجید کرده است. حضرت فاطمه (علیها‌السلام)، که خود یک زن است، مورد ستایش علی (علیه‌السلام) بوده است. از اسامی و القاب او، الحوراء الانسیه است. تکیه بر این انسیه بودن. یعنی او در عین حال که انسان خاکی و زنی چون زنان دیگر است، توانسته است به جایگاه برتر دست یابد و ملقب به حوراء شود.^۱

امام علی (علیه‌السلام) در نامه به معاویه از فاطمه (علیها‌السلام) ستایش می کند. او با تقابل حماله الحطب و سیده نساء العالمین، لقب نخست را از آن امویان و صفت اخیر را در اختیار علویان می بیند "مَنْ أَخَيْرُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَ مِنْكُمْ حَمَالَةُ الْحَطَبِ"^۲ (نهج البلاغه، نامه ۲۸) ستایش و نکوهشی که از دقت در آیات و سخنان امام وجود دارد، ناظر بر فعل فاعل است و نه جنس فاعل.

۵- بستر سازی فرهنگی برای حضور زنان در جامعه

پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در تحول جامعه جاهلی آن زمان به جامعه متعالی اسلامی بسیار کوشید و توانست در کوتاه ترین زمان ممکن، انقلاب و دگرگونی فرهنگی و علمی ایجاد نماید. این نهضت فراگیر پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) نیاز به تداوم داشت و حضرت بر این حقیقت واقف بود. لذا همواره بر ادامه راه توسط امام معصوم، تأکید داشت. (مفید، ۱۳۸۸ش: ۴۸/۱)

تأکید پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) همواره به جهت تداوم این تربیت بر جانشینی کسی بود که بتواند آن را زنده نگه دارد و آن شخص باید کسی می بود که تربیت یافته آن حضرت بوده و تحت اشراف مستقیم ایشان

۱. البته حورا را به چشم آهو (زمخسری، ۱۳۹۹ق: ۹۷؛ ازهری، ۱۴۲۱ق: ۵/۲۲۷؛ فیومی، ۱۴۱۴ق: ۲/۸۵۵؛ زیارو مانند زنان بهشتی (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴ق: ۲۵۶) و بازگشت شیئ از بیشینه به کمینه (ابن اثیر، ۱۳۶۷ش: ۱/۴۵۷) نیز معنا کرده‌اند.

۲. خطاب به معاویه که ام جمیل یا حماله الحطب عمه معاویه بود.

قرار داشت. لازم بود بعد از عصر رسالت تعالیم دینی اسلام تعمیق پیدا کند. در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مردم گروه گروه به اسلام گرویدند؛ ولی از بدیهی ترین دستورات اسلام و قرآن آگاهی نداشتند.

۱-۵ اقدامات امام علیه السلام در احیاء تعلیم و تربیت

حضرت علی علیه السلام در مدت کوتاه حکومت خود، اقدامات علمی و فرهنگی زیربنائی انجام داد که در آن زنان، جایگاه و نقش مهمی ایفا نمودند. در ادامه برخی از این اقدامات فرهنگی علوی در خصوص احیاء مقام و جایگاه زنان بیان می گردد.

۱-۵-۱-۱-۵ اهتمام بر آموزش در خانواده

خطابات عام قرآن و روایات در بیان فضیلت علم و اهل دانش، اثبات می کند که گرایش به علم و دانش اندوزی فراتر از جنسیت بوده و حقیقت انسانی را مخاطب خویش قرار می دهد. لذا معصومان علیهم السلام همه مردمان اعم از زن و مرد را به فراگیری علم و حقیقت ترغیب نموده اند. حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام به نقل از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

" طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ " دانش آموختن بر هر مسلمانی واجب است. (فیض کاشانی،

۱۴۰۶: ۱/۱۲۵)

به اجماع فقها این روایت عام و مطلق بوده و دانش اندوزی را در هر حال بر زن و مرد واجب می نماید. (رشید رضا، ۱۴۱۰ق: ۳۲) حساسیت و ضرورت وجوب همگانی علم تا بدان جاست که در اندیشه علوی آموزش و تعلیم متناسب کودکان نیز بر والدین واجب است. ایشان می فرماید: «به فرزندان آنچه را که به نفعشان است یاد دهید تا مرگه به آنها نفوذ نمایند.» (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۱۷۲/۲ / ۳۹)

امام علی علیه السلام تحول علمی در زنان را از خانواده خود شروع نمود و بنیان آن را از خانه و نزدیکان خود بنا نهاد. امام این اندیشه و سیره را طبق فرمایش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که به وی فرمود:

" تَعَلَّمْهَا أَنْتَ وَعَلَّمْهَا أَهْلَ بَيْتِكَ " (همان، ۱۹۴/۱۰۰) یعنی یاد بگیر و آن را به خانواده ات نیز یاد

بده، در خانواده و نزدیکان خود آن را اجرا و به منصفه ظهور رساند.

حضرت علی علیه السلام چگونگی تعلیم اقسام علوم توسط پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به خود و همسرش فاطمه علیها السلام را این گونه بیان می کند که همواره با پیامبر صلی الله علیه و آله خلوتی داشتیم که اوقات آموزش من توسط ایشان بود و همه در آن لحظات ما را تنها می گذاشتند و در این ساعات خصوصی همسر فاطمه علیها السلام نیز حضور پیدا می کرد.

(نعمانی، ۱۳۹۹: ۳۷)

زنان نه تنها قابلیت امکانی اخذ علوم مختلف را دارند؛ بلکه به حکم و جوب، لزوماً می‌بایست علم آموزی زنان واقع شود؛ زیرا حداقل هرچه سطح معرفت و دانش اجتماعی زنان بالاتر رود، نسل آینده که در دامان آنان تربیت می‌یابد رشد بیشتری خواهد یافت، و فکر و عمل جامعه ارتقا می‌یابد.

پدر و مادر مظهر خالقیت الله بوده و منشا ایجاد نسل آتی بشر می‌باشند و در ظهور صفت ربوبیت رب العالمین، مسؤولیت تربیت فرزندان خود را نیز بر عهده دارند. بدین جهت، آن‌گاه که معصومین حقوق فرزند بر پدر و مادر را برمی‌شمردند، یکی از آنها را حق بر آموزش بیان می‌دارند. بر همین اساس حضرت علی (علیه السلام) به تمامی مسلمین فرمان می‌دهد:

"مُرُوا أَوْلَادَكُمْ بِطَلَبِ الْعِلْمِ"

فرزندانان را به طلب دانش فرمان دهید. (متقی هندی، ۱۴۰۹ق: ح ۴۵۹۵۳)
 واضح است که این فرامین عام بوده و تنها به تعلیم پسران اختصاص ندارد و آموزش ابتدایی و عالی دختران را هم در بر می‌گیرد. نکته قابل تأمل آنکه علی رغم توصیه به تعلیم فرزندان اعم از دختر و پسر، پیامبر رحمت (صلی الله علیه و آله) در کلامی جداگانه بر آموزش دختران تأکید خاص می‌ورزد. به نظر می‌رسد به دلیل ظلمی که در عصر جاهلیت از نظر فرهنگی و اجتماعی بر دختران روا می‌داشتند، و ظرفیت ویژه نسل سازی در دختران، پیامبر (صلی الله علیه و آله) ایشان را شایسته عنایت و لطف مضاعف دانسته و خطاب به همه پدران و مادران می‌فرماید: "هر آنکه دختری دارد اگر او را ادب آموزد و تربیت او را نیکو سازد و نیز به او علم آموزد و بهره او را از علم و دانش بسی نیکوتر قرار دهد، نیز از هر آنچه نعمت که خدا بر آنان ارزانی داشته دختر را هم بهره‌مند سازد خداوند آن دختر را در آخرت مانعی از آتش برای آن پدر و مادر قرار خواهد داد و آنان از عذاب الهی در امان خواهند بود." (ری شهری، ۱۳۷۸ش: ۱/۱۰۷/۱ ح ۴۰۳)

زینب نیز یکی از این نمونه‌های بزرگ بانوان عصر علوی است. مجاهدت و اصرار امام علی (علیه السلام) در تعلیم و آموزش زنان و دختران تا جایی است که آمار زنان اندیشمند بنی هاشم و یاران نزدیک امام نسبت به دیگر خاندان بیشتر است. (کلینی، ۱۳۶۷ش: ۲/۷۶) این موضوع در مورد حضرت زینب (علیها السلام) که تحت توجهات پدر خویش قرار داشت، صادق بود به گونه‌ای که جلسات درس تفسیر برای بانوان تشکیل داده بود. (قمی، ۱۳۸۸: ۱/۵۵۸)

۳-۱-۵-۱-۵ عنایت به پیشرفت علمی زنان خادم

توجه به علم و دانش و تخصص در علوم مختلف، خاص زنان آزاد نبود؛ بلکه خادمان خانه‌ها نیز از این حق برخوردار بودند. نمونه آن فضا خادمه است که در کانون تربیت این خانواده رشد یافته بود و عالم

به کتاب آسمانی گردید و با تسلط تمام به مباحث قرآنی هر موضوعی را متناسب با آیه ای از قرآن جواب می داد. (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۵: ۳۷۶/۴) بنابراین، کنیزان نیز از نعمت عقل و درک برخوردار بوده که به آن تشویق شده اند.

امام علی (علیه السلام) در مورد فضه فرموده است:

"اللهم بارک فی فصّتنا؛ خداوندا به فضه ما برکت عطا فرما. (محلّاتی، ۱۳۹۶: ۳۲۴/۲)

در این روایت امام از ضمیر "نا" استفاده نموده و فضه را جزء خانواده خود می داند و این به جهت کمالات علمی و معنوی او بوده به طوری که توانسته توجه این خاندان را به خود جلب نماید. دانش فقاہت این خادمه تا جائی بود که خلیفه دوم درباره او چنین گفته است "شهره من آل ابی طالب أفقه من عدی؛" (حسون و مشکور، ۱۴۲۱: ۳۷۶) یک تار موی آل ابی طالب (علیه السلام) فقیه تر از تمام قبیلہ عدی است. فضه خادمه حضرت فاطمه زهراء (علیها السلام)، شایسته بانوئی است که سعادت خدمتگزاری و فرمانبرداری مقام عصمت کبری را داشته و در کانون تربیت این خانواده ملکوتی رشد یافته و ساخته شده است. تا بدان جا که در تفاسیر از جمله مجمع البیان مرحوم طبرسی و برخی روایات، وی مشمول آیه مبارکه: "و يُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا" می باشد؛ که به پیروی از سروران خویش سه روز متوالی روزه را جز به آب نگشود و سهم غذای خود را به مستمندان بخشید.

۱-۱-۵-۴ توجه به ارتقاء علمی زنان در حوزه های متنوع

دیگر زنان در سطح جامعه نیز همواره از حمایت لازم و کافی امام علی (علیه السلام) برخوردار بودند و آموزش و تعلیم آنان فقط به علوم خاص دینی محدود نبود؛ بلکه در هر زمینه ای اگر طالب علمی بود، امکان بهره وری برای او فراهم بود. به عنوان مثال در زمینه ادب و علوم بلاغت، زنان ادیب و اندیشمندی رشد نمودند که می توان به أم ذر، همسر ابوذر غفاری، خنساء، شاعره مشهور و أم سنان و أم براء و... اشاره نمود. (مشکور، ۱۴۱۳ق: ۴۱۳)

نکنه ممتاز اینکه غالب این زنان از اقشار معمولی جامعه بوده و همانند زنان خاندان اهل بیت در ارتباط مستقیم با امام (علیه السلام) قرار نداشتند و این نشان دهنده این امر است که اوج فراگیری علم آموزی در مکتب علوی اینگونه موجب ارتقاء علمی آنان گردیده بود. به طوری که بعد از شهادت حضرت نیز با سخنرانی های بلیغ خود دچار حیرت معاویه شدند.

زنان دیگری نیز در عرصه نقل روایت با وجود شرایط خفقان زای جامعه، نقطه عطفی در تاریخ اسلام بوده اند و به ذکر اقوال و فضائل امام علی (علیه السلام) می پرداختند که همگی تربیت شده مکتب علوی بوده اند. نام این زنان راوی در کتب تاریخی ذکر گردیده است. (جمعه، ۱۴۱۲ق: ۱۸۲/۱)

در زمینه فقه و فقهات نیز زنان بسیاری در این مکتب پرورش یافتند و به نقد و تحلیل و استخراج حکم از حدیث برآمدند. سرآمد این زنان فاطمه (علیها السلام) می باشد که با استناد به آیات و روایات به صدور حکم می پرداخت. زنان دیگری نیز که در مکتب فاطمه (علیها السلام) دانش اندوخته بودن مانند ام ایمن که از فقیهان آن زمان بوده است. (کحاله، ۱۹۸۲م: ۱۲۷/۱) به اعتقاد ذهبی، ام سلمه از فقهای صحابه به شمار می آید و ایشان یکی از سیزده نفری است که صحابه به او رجوع می کردند. تخصص این بانو بیشتر در مورد فقه زنان بود. (ذهبی، ۱۴۱۴ق: ۲۰۳/۲)

در زمینه ها و عرصه های دیگر با توجه به استعداد و علائق زنان، بستر علم آموزی در این مکتب و حیانی فراهم بود. مثلا در زمینه داروئی و پزشکی مانند جانی که امام علی (علیه السلام) حرمت برخی داروها را به زنبی به نام حبابه اطلاع داد که نشان می دهد وی در زمینه داروسازی فعالیت داشته است. (طوسی، ۱۳۶۵ش: ۱۸۹/۳)

۲-۵ اقدامات فرهنگی امام (علیه السلام) در احیاء منزلت اجتماعی زن

بعد از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) همان جاهلیت گذشته احیاء گردید و از جمله آن ها تحقیر و عدم مشارکت زنان در مسائل مختلف بود. امام علی (علیه السلام) بر خود لازم می دانست با این سنت غلط جاهلیت مبارزه نماید؛ چراکه این اندیشه های سخیف در مورد زنان به اسم اسلام و بلکه حکومت اسلامی تمام می شد.

۱-۲-۵ احیاء بینش و سیره نبوی در خصوص زنان

از اقدامات شایسته امام علی (علیه السلام) در زمینه تحولات فرهنگی، مبارزه با بینش ها و سنت های جاهلی بود که بعد از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در خصوص زنان مجددا احیاء گردید. توجه به زنان بی سرپرست و فرزندان آن ها از دید نافذ امام مخفی نبود و به صورت جدی تکیه گاهی در کنار زنان برای یتیمان بود. در این رابطه امام علی (علیه السلام) می فرماید:

"أنا المهدي، أنا المهدى، أنا أبو اليتامى والمسكين وزوج الأرملة..."؛

من هادی و هدایت شده خداوندم. پدر یتیمان و درماندگان و سرپرست زنان بیوه ام. (فیض

کاشانی، ۱۳۸۳: ۲۰۴/۴)

و از این طریق امام، فرهنگ سازی نمود تا دیگران نیز اینگونه عمل نمایند.

یکی از رفتارهای امام علی (علیه السلام) در برخورد با زنان، سلام کردن به آنان بود تا به دیگران نشان دهد که شخصیت زن به عنوان یک انسان مورد احترام بوده و دیگر آنکه حضور او در اجتماع مورد تأیید می‌باشد. در برخی روایات ذکر گردیده که سلام امام علی (علیه السلام) به زنان مانند سیره نبوی بوده و امام از سلام بر زنان جوان به دلیل احتمال مفسده اکراه داشت. (ابن بابویه، ۱۴۰۵ق: ۴۶۹/۳؛ طبرسی، ۱۳۷۰ش: ۲۳۵)

از رفتارهای دیگر امام علی (علیه السلام) در جهت حمایت از حقوق زنان، اهتمام ایشان به ازدواج دختران بود. گاهی ممکن بود دختران به علت حیای ذاتی خود از میل خود به ازدواج صحبتی نکنند یا خانواده آنان با دلائل خاصی مانع ازدواج به موقع آنان گردد که می‌تواند پیامدهای نامطلوبی را برای فرد و جامعه به دنبال داشته باشد. لذا امام در موارد بسیاری اگر افرادی مرتکب گناه جنسی می‌شدند، بعد از مجازات قانونی آنان زمینه ازدواج آنان را فراهم می‌نمود. (حرعاملی، بی‌تا: ۵۷۵/۱۸)

این سیره نشان از مهم بودن جایگاه زنان در نزد امام است. اگر زنان در اندیشه امام، ناقص و کم اهمیت بوده و موجودی شر تلقی می‌شدند، لزومی بر این همه توجه به امور زنان نبود.

۲-۲-۵ احیاء حقوق زنان در سیره علوی

نگاه حضرت علی به زنان، نگاه جنسیتی نبود و زنان در جامعه علوی با آرامش و امنیت حضور یافته و به فعالیت خود می‌پرداختند. اهمیت عفاف و حفظ آن همان قدر که برای زنان وجود داشت، مردان نیز مکلف و موظف به رعایت آن بودند. مواردی که مردان با نگاه گناه آلود خود، باعث آزار زنان می‌شدند با برخورد قاطع از سوی امام علی (علیه السلام) مواجه می‌گردیدند. (متقی هندی، ۱۴۰۹ق: ۴۶۲/۵؛ ابن اثیر، ۱۴۰۹ق: ۳۳۲/۳؛ صنعانی، ۱۴۰۳ق: ۴۱۰/۱۰)

برخورد و نگرش امام علی (علیه السلام) در مورد زنان، حاکی از رعایت حقوق آنان به عنوان یک انسان است. علاوه بر آنکه به ظرافت و روحیه لطیف آنان نیز توجه دارد. امام علی (علیه السلام) در نامه خود به عنوان وصیت به فرزند خود، امام حسن (علیه السلام) فرمود:

" وَلَا تَمْلِكِ الْمَرْأَةُ مِنْ أَمْرِهَا مَا جَاوَزَ نَفْسَهَا، فَإِنَّ الْمَرْأَةَ رِيْحَانَةٌ، يُسْتَبَقُّ بِقَهْرَمَانَةٍ " (نهج البلاغه،

نامه ۳۱)

به زن بیشتر از کارهای خودش را واگذار نکن؛ چرا که او مانند شاخه گل است نه قهرمان و مسلط بر امور و این سیره هم‌اکنون سیره نبوی است که اصل آن از قرآن و تعالیم آن مشتق گردیده است.

از جمله اقدامات دیگر امام علی (علیه السلام) در این زمینه، احیاء فرهنگ تکریم زنان بود که یکی از مصادیق آن محبت و شفقت به آنان، جلوه تام خود را در اجتماع نشان داد. سیره ایشان بعینه معنای حب و شفقت را به منصفه ظهور رساند و این اصل را به عنوان یک دستور حکومتی به کارگزاران خود نیز ابلاغ نمود. (نهج البلاغه، نامه ۵۳)

کسانی که از جایگاه قوامیت برخوردار بوده و از آن سوء استفاده می نمودند به طوری که منجر به ظلم نسبت به زنان شده و حقوق ایشان نادیده گرفته می شد، با بیزاری و تبری آن حضرت نسبت به آن رفتار مواجه می گردید. نمونه هائی در سیره علوی وجود دارد که حاکی از احقاق حقوق زنان و رفع ظلم از آنان توسط امام علی (علیه السلام) گردیده است. (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۲۶۸/۴۰)

رعایت تساوی جنسیتی در رفتار و سیره علوی در همه ابعاد و عرصه ها نمایانگر بود. به عنوان نمونه در مسأله قضا، ایشان بدون هیچ گونه تبعیض جنسیتی میان آنان حکم می نمود و تمام آن ها دلیلی بر اهمیت دسترسی زنان به عدالت قضائی نزد امام علی (علیه السلام) است.

در سیره عملی امام علی (علیه السلام) زنان به لحاظ حقوقی هیچگاه مادون و هم سطح مجانین و اطفال نبوده؛ بلکه به عنوان انسانی کامل در یک طرف دعوا قرار گرفته و از حیثیت انسانی او حمایت و دفاع می شد. به عبارت دیگر، زن یا مرد بودن، برده یا آزاده بودن و مانند آن اثری در قضاوت امام علی (علیه السلام) و کشف حق نداشت.

۲-۵-۳ مشارکت دادن خانواده و زنان در همبستگی اجتماعی

بی شک یکی از روش های تعلیم و تربیت خانواده در حوزه همبستگی اجتماعی و دستگیری از فرودستان جامعه، همراه نمودن آنان در این کارهاست. قرآن از سه گروه نیازمند یاد می کند که در جامعه عصر نزول، جزء گروه های فرودست بودند و روزگارشان جزء با کمک و انفاق دیگران، سامان نمی یافت و با آیه "وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا" ^۱ - که درباره علی بن ابیطالب و همسرش صدیقه طاهره (علیها السلام) نازل شده - (سیوطی، ۱۴۰۴ق: ۳۷۱/۸) از داستان نذرشان و روزه گرفتن اعضای خانواده خبر می دهد که به هنگام افطار و درسه شب پیاپی، مسکین و یتیم و اسیری به در خانه شان آمد و آنان غذای تهیه شده را به آنان داده و خود با آب افطار کردند، می خواهد انفاق در عین نیازمندی را یادآوری نماید و آن را برجسته سازد. (زمخشری، ۱۳۹۹ق: ۶۷۰/۴)

۱. انسان (۷۶): ۸

بنابراین در سیره علوی، این رفتار ایثارگرانه به شکل عملی به خانواده تعلیم داده می‌شود که از نیازهای خود برای تأمین نیاز دیگران بگذرند و آنان را بر خویش مقدم دارند. برخی اسیر را در آیه به «زن» تاویل برده‌اند؛ چرا که زنان در دست همسران خویش بسان اسیرند. (آلوسی، ۱۴۲۰ق: ۱۵۵/۲۹) اما اسیر در آیه، اسیر در دست مسلمانان است، نه مسلمان اسیر در دست کفار و این نکته نشان می‌دهد؛ آیه در مدینه نازل شده است؛ (طباطبائی، ۱۳۷۵ش: ۲۰۳/۲۰) زیرا در مدینه بود که مسلمانان در جنگ‌ها، کفار را به اسارت می‌گرفتند. این نکته، اجتماعی بودن چنین رفتاری را بهتر می‌نمایاند؛ زیرا چنین اسیری، محصول کنش‌های اجتماعی اعم از جنگ یا غیر آن است و برآوردن نیاز چنین گروه‌هایی، نوعی مشارکت مستقیم اجتماعی تلقی می‌شود که می‌تواند رفتار مطلوب مسلمانان با اسرای کفار را به شکل مناسب انعکاس دهد و شاید در نگرش آنان نوعی تزلزل یا انعطاف ایجاد نماید.

خانواده امام علی علیه السلام با آنکه کاملاً به آن خوراک نیاز داشتند، "مع حاجتهم الیه" (محمد حمزه، عنوان: ۱۳۷۲: ۱۲۴/۶)، آن را به نیازمندان دادند، یعنی در برابر جامعه و گروه‌های نیازمند آن به شکل جمعی احساس مسئولیت دارند و به سهم خویش در رفع آن نیازها می‌کوشند. این فعل امام علیه السلام با اجبار کردن خانواده همراه نبوده و امام علی علیه السلام آنان را در تصمیم‌گیری‌ها مشارکت می‌داد. بنابراین حضرت در امر مشورت با خانواده به صورت عملی مانند این مورد آن را به منصفه ظهور رساند.

۴-۲-۵ مشارکت دادن خانواده در صحنه اجتماعی (مباهله)

یکی از شرکت‌کنندگان در ماجرای مباهله، دختر گرامی پیامبر صلی الله علیه و آله حضرت صدیقه طاهره علیها السلام است. او با آن که زن بود و به جهت شرافت زنانه، باید مستوریت پیشه می‌نمود؛ اما در عرصه‌ای که حضور وی و حقانیت مدعیات خاتم پیامبران و آیین او به هم گره می‌خورد، از خانه نشینی و عزلت‌گزینی بیرون می‌آید و در فرایند حق‌نمایی آیین نهایی، نقش آفرین می‌شود. (آل عمران، ۶۱)

توجه به این نکته زمانی معنا دار می‌شود که بدانیم از یک سو مباهله طلبان مخالف پیامبر صلی الله علیه و آله، همگی مرد بودند و از دیگر سو، انجام مراسم آن در فضای بسته و مسقف امکان‌پذیر نبوده است و در

آنجا که مسلمانان نیز نظاره گر تعیین نتیجه ماجرا هستند، بانویی مستور و محجوب در کنار پدر، همسر و دو فرزند پسرش، حسن و حسین^۱ با گام‌های استوار حضور یافته‌اند.

حضور حضرت صدیقه طاهره در ماجرای مباحثه از اساسی ترین مصادیق حضور اجتماعی زن در اسلام است. اما ادعای این پژوهش بر نقش آفرینی اجتماعی اصحاب مباحثه که از خانواده پاکان و اهل البیت^{علیهم‌السلام} بودند، آن است که امام علی^{علیه‌السلام} در ماجرای سقیفه بنی ساعده برای اثبات حقانیت خویش در مهم‌ترین نقش اجتماعی امت؛ یعنی امام و پیشوای جامعه به آیه استناد نمود. (ابن حجر هیثمی، بی تا: ۹۳) پس می توان آن را در سیره امام جای داد و در این جا به شکل هم زمان جایگاه اجتماعی زن و حضور او هم معطوف به سیره علوی و هم معطوف به نخستین هسته اجتماع؛ یعنی خانواده قابل رویت و ارزیابی است.

۶- نتیجه گیری

- ۱- برخورداری زن و مرد از روح الهی، کرامت، حریت انسانی و مقام خلیفه الهی در کلام علوی، منطبق بر نگاه قرآنی بوده و هر دو در بعد روحی و جسمی مشترک بوده و فرقی میان آن‌ها در حقیقت و ماهیت وجود ندارد. حضرت زن و مرد را در این مسأله یکی می داند؛ چراکه بر اساس تعالیم قرآن زن و مرد می‌توانند به عنوان انسان و برخوردار از روح الهی، راه کمال و ترقی را طی کرده و به اوج کمال برسند.
- ۲- گزارش های تاریخی، بر وجود پاره ای از تفاوت‌ها در دو دوره موسوم به خلافت و امامت دلالت دارد. این تفاوت‌ها، ناشی از نوع نگاه حاکمیت باشد یا خیر، نشان می دهد، اگر به زنان زمینه بروز شکوفایی استعدادها داده شود و جامعه، پذیرای نقش آفرینی زنان، با رعایت ملاحظات هنجاری باشد، این جنس، از توانایی حضور و نقش آوری در جامعه برخوردار است و شکوفایی این استعداد، با تحقیر و تمسخر و تنقیص امکان پذیر نخواهد بود. لذا آن‌جا که زنان توانسته باشند با فعالیت اجتماعی خویش،

۱. تصویر سازی این واقعه به جهت هندسی این گونه بوده است و در واقع، مکان استقرار پنج تن از پاکان چنین گزارش شده است؛ پیامبر^{صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم} در پیشاپیش و دخترشان پشت سرشان و دو فرزند خردسالش در دو سوی مادر و علی در کنار و مقابل پیامبر^{صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم}. فاطمه از پشت سر پیامبر^{صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم} گام بر گام او می نهاد. جمعیت از انتظار نیز محو دو نفری هستند که جلوتر از بقیه قدم بر می دارند. پشت سر فاطمه نیز دو فرزند خردسال هستند که کودکی، زیبایی، بی آلاشی و حرکات خاص کودکان جمعیت را متوجه آنان می سازد و فاطمه^{علیها‌السلام} کمی آسوده تر گام می زند، درآیه شریفه نیز نساءنا محفوف و در میان گرفته شده با ابناء (حسین) و آنفس، علی^{علیه‌السلام} است.

استعدادهای شان را شکوفا سازند، باید گفت تنقیص و شماتت زن در آن دوران شکوفایی، جایی نداشته است.

۳- گزارش های تاریخی از سیره امام علی (علیه السلام) و اندیشه ایشان، از یک سو، نشانگر فعالیت های پرقلمرو زنان در عصر حاکمیت علوی است و از نقش آفرینی آنان در عرصه های اجتماعی و فرهنگی حکایت دارد و از سوی دیگر، گزاره هایی از امام علی (علیه السلام) نقل شده که یا از نقصان خرد و کاستی های عقلانی زنان حکایت دارد و یا آن را موجودی شرّ می انگارد و یا از هم اندیشی و مشاوره با آنان پرهیز می دهد که برآیند همه آن ها، تنقیص و شماتت ایشان است و این گزاره ها با آن رفتارها به نوعی ناسازگار می افتد. در اندیشه امام نیز برخی از زنان مانند حضرت فاطمه (علیها السلام) به فرزاندگی و فرادستی، توصیف شده اند که گزاره هایی از این قبیل، کلیت تنقیص ها را می شکند و تعارضات بدوی سیره و اندیشه امام را که برخی بر آن اهتمام جدی دارند، مرتفع می سازد. بودند.

۴- نکته حائز اهمیت تر آن است که حضور فعالانه زنان در عرصه های اجتماعی، فرهنگی در حاکمیت و سنت علوی، نشان می دهد که حضرت به توانائی های ایشان باور داشته و بدون تفکیک جنسیتی، به حضور فعال این زنان در مشارکت های علمی و فرهنگی رأی می داد و با فراهم آوردن بسترهای فرهنگی مناسب توانستند منزلت اجتماعی زنان را دوباره احیاء نمایند.



منابع

قرآن.

نهج البلاغه

۱. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، ۱۴۰۴ق، شرح نهج البلاغه، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۲. ابن اثیر، علی بن محمد، ۱۴۰۹ق، اسد الغابه، بیروت: دارالفکر.
۳. -----، ۱۳۶۷ش، النهاية في غريب الحديث والأثر، قم: اسماعیلیان.
۴. ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی، ۱۴۰۵ق، من لایحضره الفقیه، تحقیق: حسن خراسان، بیروت، دارالأضواء.
۵. ----- محمد بن علی، ۱۳۷۶ش، امالی، مترجم: محمد باقر کمره ای، تهران: انتشارات کتابچی.
۶. -----، ۱۳۷۷ش، الخصال، مترجم: محمد باقر کمره ای، تهران، انتشارات کتابچی.
۷. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، ۱۴۱۵ق، الإصابه فی تمییز الصحابه، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۸. ابن حجر هیثمی، احمد بن محمد، بی تا، الصواعق المحرقة، قاهره: مکتبه القاهره.
۹. ابن حنبل، احمد بن محمد، ۱۴۱۶ق، مسند احمد، بیروت: مؤسسه الرساله.
۱۰. ابن فارس، احمد بن فارس بن زکریا، ۱۴۰۴ق، معجم مقاییس اللغه، تحقیق: محمد هارون، عبدالسلام، قم: مکتب الاعلام اسلامی.
۱۱. ابن کثیر، عماد الدین اسماعیل، ۱۳۹۸ش، البدایه والنهایه، بیروت: دارالفکر.
۱۲. ابن منظور، جمال الدین محمد مکرم، ۱۳۶۶ق، لسان العرب، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۱۳. ابن میثم، کمال الدین میثم، ۱۳۷۵ش، شرح نهج البلاغه، مترجم: محمدصادق عارف، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.
۱۴. ازهری، محمد بن احمد، ۱۴۲۱ق، تهذیب اللغه، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۵. امینی، عبدالحسین، ۱۴۳۶ق، گزیده ای جامع از الغدیر، تلخیص، تحقیق و ترجمه: محمد حسن شفیعی شاهرودی، قم: مؤسسه میراث نبوت.
۱۶. آلوسی، محمد بن عبدالله، ۱۴۲۰ق، روح المعانی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.



۱۷. باقری، خسرو، ۱۳۸۹ش، *اصول تربیت اجتماعی در اندیشه امام علی (علیه السلام) کتاب تربیت اسلامی*، قم: نشر تربیت اسلامی.
۱۸. بخاری، محمد بن اسماعیل، ۱۴۱۰ق، *صحیح بخاری*، قاهره: وزاره الاوقاف.
۱۹. پیشوایی، مهدی، ۱۳۹۳ش، *سیره پیشوایان*، قم: موسسه تعلیماتی و تحقیقاتی امام صادق (علیه السلام).
۲۰. تبریزی، محمدحسین بن خلف، ۱۳۸۰ش، *برهان قاطع*، به اهتمام دکتر محمد معینی، تهران: نشر نیما.
۲۱. جمعه، احمد خلیل، ۱۴۱۲ق، *نساء من عصر النبوه*، بیروت: دار ابن کثیر.
۲۲. جوهری، اسماعیل بن حماد، ۱۴۰۴ق، *الصحاح*، تحقیق: احمد عبدالغفور عطارف، بیروت: دارالعلم للملایین.
۲۳. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، ۱۴۲۰ق، *المستدرک علی الصحیحین*، بیروت: المکتبه العصریه.
۲۴. حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۱۶ق، *وسائل الشیعه*، قم: موسسه آل البيت (علیهم السلام).
۲۵. حسون، محمد و ام علی مشکور، ۱۴۲۱ق، *اعلام النساء المومنات*، طهران: اسوه.
۲۶. خوئی، حبیب الله، ۱۴۰۰ق، *منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه*، تهران: المکتبه الإسلامیه.
۲۷. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۷ش، *لغت نامه*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲۸. ذهبی، محمد بن احمد، ۱۴۱۴ق، *سیر اعلام النبلاء*، بیروت: موسسه الرساله.
۲۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۰۶ق، *مفردات الفاظ القرآن*، تصحیح: صفوان داوودی، بیروت: دارالشامیه.
۳۰. رضا، محمد رشید، ۱۴۱۰ق، *حقوق النساء فی الاسلام*، بیروت: دارالاضواء.
۳۱. رفیعی علا مرودشتی، علی، ۱۳۸۰ش، *سیره امام علی (علیه السلام) (دانشنامه امام علی (علیه السلام))* تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
۳۲. روح الامینی، محمود، ۱۳۷۴ش، *مبانی انسان شناسی*، تهران: نشرعطاء.
۳۳. زمحشری، محمود بن عمر، ۱۳۹۹ق، *اساس البلاغه*، بیروت: دار صادر.
۳۴. -----، ۱۳۹۱ش، *کشف*، مترجم: مسعود انصاری خوشابر، تهران: ققنوس.
۳۵. ستوده، هدایت الله، کمالی، ایرج، ۱۳۸۳ش، *جامعه شناسی با تأکید بر دیدگاه‌های کارکردگرایی، تضاد و کنش متقابل اجتماعی*، تهران: ندای آریانا.

۳۶. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، ۱۴۰۴ق، *الدرالمنثور*، قم: کتابخانه آیه الله العظمی مرعشی نجفی.
۳۷. صنعانی، عبدالرزاق بن همام، ۱۴۰۳ق، *المصنف*، بیروت: نشر المجلس العلمی.
۳۸. طباطبایی، سید محمد حسین، ۱۳۷۴ش، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۹. طباطبایی، سید محمد حسین، بی تا، *روابط اجتماعی در اسلام*، ترجمه: محمد جواد حجتی کرمانی، تهران: انتشارات بعثت.
۴۰. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۰ش، *مکارم الاخلاق*، قم: انتشارات شریف رضی.
۴۱. طوسی، محمد بن حسن، ۱۳۶۵ش، *تهذیب الاحکام*، طهران: دارالکتب الاسلامیه.
۴۲. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، ۱۳۸۳ش، *المحجة البيضاء*، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۴۳.، ۱۴۰۶ق، *الوافی*، اصفهان: کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام.
۴۴. فیومی، احمد بن محمد، ۱۴۱۴ق، *المصباح المنیر*، قم: دار الهجره.
۴۵. قمی، عباس بن محمد رضا، ۱۳۸۸ش، *سفینه البحار*، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی.
۴۶. کحاله، عمر رضا، ۱۹۸۲م، *اعلام النساء*، بیروت: موسسه الرساله.
۴۷. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۷ش، *الاصول من الکافی*، طهران: دارالکتب الاسلامیه.
۴۸. کوئن، بروس، ۱۳۷۵ش، *مبانی جامعه شناسی*، ترجمه و اقتباس: غلامعباس توسلی و رضا فاضل، تهران: انتشارات سمت.
۴۹. متقی هندی، علی بن حسام الدین، ۱۴۰۹ق، *کنز العمال*، بیروت: موسسه الرساله.
۵۰. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، ۱۴۰۳ق، *بحار الانوار*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۵۱. محلاتی، ذبیح الله، ۱۳۹۶ش، *ریاحین الشریعه*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۵۲. محمد حمزه، محمود، علوان، حسن، ۱۳۷۲ق، *تفسیر القرآن الکریم (غایه البیان فی تفسیر القرآن الکریم)*، قاهره: دارالمعارف.
۵۳. محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۷۸ش، *میزان الحکمه*، ترجمه: حمیدرضا شیخی، قم: دارالحديث.



۵۴. مشکور، ام‌علی، ۱۴۱۳ ق، *اشعار النساء المؤمنات*، قم: انتشارات سعید بن جبیر.
۵۵. مشیری، مهشید، ۱۳۹۶ ش، *فرهنگ زبان فارسی*، تهران: نشرنگاه.
۵۶. معلوف، لویس، ۱۳۸۷ ش، *فرهنگ جامع نوین*، مترجم: احمدسیاح، مقدمه: حسن حسن‌زاده‌آملی، محمدتقی جعفری تبریزی، تهران: نشراسلام.
۵۷. معین، محمد، ۱۳۷۶ ش، *فرهنگ فارسی*، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۵۸. مفید، محمد بن محمد، ۱۳۸۸ ش، *الارشاد*، مترجم: حسن موسوی مجاب، قم: نشر سرور.
۵۹. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، ۱۳۹۰ ش، *پیام امام‌امیرالمؤمنین (علیه السلام)*، قم: دارالکتب الإسلامیه.
۶۰. نعمانی، محمد بن ابراهیم، ۱۳۹۷ ش، *الغیبه*، تصحیح: علی اکبر غفاری، طهران: مکتبه الصدوق.
۶۱. یعقوبی، احمد بن اسحاق، بی‌تا، *تاریخ یعقوبی*، بیروت: دار صادر.